

در حال حاضر
اتفاقاتی
در منطقه
بین چین و
کشورهای
حاشیه جنوبی
خلیج فارس
رخ داده است.
این امریک بُعد
سیاسی دارد که
آن بخش را خود
سیاستمداران
و مسئولان
حوزه سیاسی
اقدامات لازم
به آن را انجام
می دهند. اما
اتفاقات اخیر
علاوه بر آن، یک
بُعد اقتصادی
نیز دارد که
معتقدم هرنوع
توسعه روابط
اقتصادی چین
با کشورهای
منطقه به نوعی
به نفع ما نیز
خواهد بود

جمهوری خلق چین در ساختار اقتصاد جهانی جایگاهی قابل توجه دارد که همواره بزرگان اقتصاد جهان حداکثر تلاش خود را به کار می گیرند تا از ظرفیت های این کشور در قاره آسیا بهره برداری مناسب را داشته باشند. آنچه مشهود است دولت های گذشته کشورمان، نتوانستند از توانمندی های اقتصاد چین به صورت مطلوب استفاده کنند. البته برای تغییر این رویکرد غلط، دولت سیزدهم تمام توان خود را به کار گرفته تا بتواند سرآغازی جدید را در روابط اقتصادی ایران و چین ایجاد کند. فرصتی پیش آمد تا در گفت و گو با دکتر علی فکری، معاون وزیر اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه گذاری خارجی پیرامون برخی راهبردهای عملیاتی دولت آقای رئیسی برای احیای روابط اقتصادی ایران و چین نظرات ایشان را جویا شویم که در ادامه می خوانید.

رئیس جمهور چین اخیراً سفری به کشور عربستان داشته و قراردادهایی با این کشور منعقد کرده است. برخی تحلیلگران سیاسی و اقتصادی می گویند سفر رئیس جمهور چین به عربستان، می تواند برای ایران تبعات منفی به همراه داشته باشد. سؤال نخست من از شما این است آیا با سفر رئیس جمهور چین به عربستان، خدشه ای به همکاری های اقتصادی ایران و چین وارد خواهد شد؟

در حال حاضر اتفاقاتی در منطقه بین چین و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس رخ داده است. این امریک بُعد سیاسی دارد که آن بخش را خود سیاستمداران و مسئولان حوزه سیاسی اقدامات لازم به آن را انجام می دهند. اما اتفاقات اخیر علاوه بر آن، یک بُعد اقتصادی نیز دارد که معتقدم هرنوع توسعه روابط اقتصادی چین با کشورهای منطقه به نوعی به نفع ما نیز خواهد بود. زیرا زمانی که این کشورها مبادلات اقتصادی را در منطقه انجام می دهند، طبیعتاً تمایل دارند که روابط شان را توسعه دهند. به طوری که تاکنون نیز هربار که به صورت جدی تر به منطقه خلیج فارس ورود کرده اند، پیشنهادات مناسب و برنامه های خیلی جدی تری را برای همکاری با جمهوری اسلامی تعریف کرده اند. در واقع در حوزه اقتصادی

زمانی که یک کشور با همسایگان شما یک رابطه ای را تقویت می کند، مخصوصاً کشوری همانند چین که دارای قدرت اقتصادی قابل توجهی است این امر به نفع شما نیز خواهد بود. بنابراین با توجه به اینکه در راهبردهای کلان دولت سیزدهم چین به عنوان یکی از کشورهای همسو با جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود و سند همکاری بلندمدتی نیز بین ایران و چین وجود دارد، می توانیم سبک جدیدی از رابطه راهبردی را با آنها تعریف کنیم. مادر حال حاضر در این خصوص در حال برنامه ریزی هستیم. همان طور که در جریان هستی در گذشته اتفاقات ناخوشایندی در روابط ایران و چین رخ داده است. از همین رو اولین گام های ما مربوط به بازگرداندن روابط دو جانبه با چین می شود تا بتوانیم روابط خود را با آنها به حالت عادی بازگردانیم. زیرا اتفاقاتی که بعد از نهای شدن برجام رخ داد، کمی بنیان های روابط ایران و چین را خدشه دار کرد. بنابراین برای داشتن برنامه های توسعه ای با این کشور ابتدا باید شرایط بین دو کشور را به حالت عادی بازگردانیم.

درباره خدشه دار شدن روابط ما با کشور چین برخی اعلام می کنند که بعد از برجام رئیس جمهور چین به ایران سفر کرد اما آقای روحانی و تیم حاضر به علت اینکه بیشتر تمایل به سمت غربی ها داشتند، از آنها استقبال در خوری نکردند و چینی ها از همین امر دلخور هستند؛ آیا این امر صحت دارد؟

اگر دلخوری را مبنایش را بر این می بینید که مثلاً در آن دوره، در آن سفری که انجام شد، استقبال از بُعد تشریفاتی رخ نداده، باید بگویم که من چنین چیزی را باور ندارم. روابط یک قدرت اقتصادی مثل چین با یک قدرت بزرگ منطقه ای مثل جمهوری اسلامی ایران به خاطر اینکه یک موضوع تشریفاتی رعایت نشده، دلخوری ایجاد نمی کند و خیلی آسیب نمی بیند. در واقع چنین دلخوری هایی خیلی جزئی است و در برنامه های اقتصادی خود را نشان نمی دهد. واقعیت این است که آن چیزی که اتفاق افتاد، فراتر از این حرف ها و موضوعات تشریفاتی بود. در واقع طرف چینی در آن دوره زمانی، تصور می کرد که با بهبود شرایطی که رخ داده و فضایی که به سمت گشایش در